

فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

سال ششم، شماره سیزدهم

بهار و تابستان ۱۳۹۱

## درآمدی توصیفی - تحلیلی بر مولوی پژوهی در ادب عربی

دکتر تورج زینی‌وند\*\*

فرزانه دولتیاری\*\*\*

### چکیده

مولوی، چهره‌ی برجسته‌ی تصوف اسلامی - ایرانی از دیرباز، مورد استقبال پژوهشگران ادب عربی و جهان عرب قرار گرفته است. این پژوهش‌ها بیشتر در چهار زمینه‌ی ترجمه، مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته و تصویری معتدل و مثبت از مولوی و اندیشه‌های عرفانی او، ارائه می‌دهند. این پژوهش، بر آن است تا براساس چارچوب و معیارهای ادبیات تطبیقی به معرفی توصیفی - تحلیلی پژوهش‌های ادب عربی درباره‌ی تأثیر شعر و اندیشه‌ی مولوی بر فرهنگ و ادب عربی بپردازد و در برخی موارد، به نقد دیدگاه‌های آن‌ها دست ورزد و میزان و گستره‌ی بازتاب شعر و اندیشه‌ی مولانا را در جهان عرب، بررسی می‌کند. افزون بر این، در این پژوهش تطبیقی، تلاش شده تا ضمن استفاده از تازه‌ترین یافته‌ها، به معرفی جایگاه مولوی در میان ادیبان و اندیشمندان ادب عربی، اشاره شود.

**واژگان کلیدی:** مولوی، ادب عربی، جهان عرب، نقد، ادبیات تطبیقی.

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات تطبیقی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

## ۱. مقدمه

پیوند ادب عربی و فارسی از دیرباز، پیوندی ژرف، بوده است و در سده‌ی بیستم با رشد روزافزون ادبیات تطبیقی، اندیشه و فرهنگ ایرانیان، بیش از گذشته مورد توجه برخی از پژوهشگران جهان عرب، قرار گرفته است.

یکی از گرایش‌های و انواع مهم ادبیات، حوزه ادبیات عرفانی و غنایی است. مولوی، که یکی از شاعران پرآوازه ادبیات عرفانی در قرن هفتم است، از سوی پژوهشگران عرب، بیش از دیگر بزرگان ادب فارسی، مد نظر بوده است و آثار و اندیشه مولانا، بیش از دیگر شاعران عرفانی، به دنیای عرب معرفی شده است. از جمله این پژوهشگران، می‌توان به «عیسی علی العاکوب»، محقق معاصر و پُرکار سوری اشاره کرد که هشت کتاب، درباره‌ی آثار و اندیشه مولانا از انگلیسی و فارسی به عربی ترجمه کرده و در این زمینه، خدمت ارزنده‌ای به زبان و ادب فارسی، نموده است. در این میان، مثنوی معنوی بیش از دیگر آثار مولانا، مورد اهتمام پژوهشگران جهان عرب بوده است. از دیگر مولوی پژوهان در ادب عربی می‌توان به پژوهشگران زیر اشاره نمود:

۱- یوسف بن احمد المولوی السوری، «نهج القوی لطلاب المثنوی» (تا مدت‌ها تنها روایت معروف مثنوی به زبان عربی بود). ۲- عبدالعزیزکه «جواهرالآثار فی ترجمه مثنوی مولانا محمد جلال‌الدین البلخی الرومی» ۱۳۳۲هـ شرا تألیف کرده است. ۳- عبدالوهاب عزّام المصری «فصول من المثنوی» را در ۱۹۴۶م. تدوین کرده است. ۴- محمد عبدالسلام کفافی «مثنوی جلال‌الدین الرومی» ۱۹۶۶م. چاپ کرده است ۵- ابوالحسن علی ندوی «درباره اشعار و زندگی مولانا» در ۱۹۷۶، ۶- محمد الفراتی السوری «روائح الشعر الفارسی» ۱۹۷۸ تدوین کرده است. م ۷- عنایه‌الله ابلاغ افغانی «جلال‌الدین رومی بین الصوفیة و علماء کلام» ۱۹۷۸م. نوشته است ۸- محمد الحسن الأعظمی و



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

السوی علی شلال، «أعلام الخمسة للشعر الإسلامي» را ۱۹۸۲م. ۹- مصطفی غالب، «زندگانی و اشعار مولانا» ۱۹۸۲م. ۱۰- رجا عبدالمومن جبر، «فی الأدب المقارن» ۱۹۸۸م. (این اثر تحقیقی ست درباره تأثیر مولانا و دانتیه و شکسپیر بر ادبیات جهان). ۱۱- ابراهیم الدسوقی الشتا، «ترجمه شرح کامل مثنوی» را در ۱۹۸۸م. ۱۲- السيد محمد جمال هاشمی «حکایات و العبار من مثنوی» را در ۱۹۹۵م. ۱۳- عیسی علی العاکوب، آثاری چون «یدالشعر»، «الشمس المنتصرة»، ۱۳۷۹هـ.ش (ترجمه)، «فیه ما فیه»، «ید العشق»، «مجالس السبعة»، «رباعیات مولانا، ۲۰۰۴م»، «الرومی و التصوف، ۲۰۰۰م» «رسائل، را در ۲۰۰۸م». چاپ کرده است.

پیش از پرداختن به موضوع، لازم است به پیشینه‌ی موضوع و آثاری که تاکنون در این زمینه انجام اشاره نمود و تفاوت و نوآوری این پژوهش با آثار دیگر پژوهشگران ارائه گردد. در کتاب «شکوه شمس» اثر «آنه ماری شیمل» تنها در یک صفحه، به معرفی مولوی پژوهان عرب پرداخته است. در کتاب «دیروز تا امروز، شرق تا غرب»، فرانکلین دین لوئیس، که با همّت حسن لاهوتی ترجمه شده، نویسنده به بررسی اندیشه و آثار مولوی در کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای آسیایی پرداخته است و در حوزه کشورهای عربی، تنها در سه صفحه به معرفی مولوی پژوهان پرداخته است. در مقاله «مولوی پژوهی در ادب معاصر عربی» که نوشته حجت رسولی است، نویسنده به بررسی تعدادی از کتاب‌ها و مقالات معاصران ادب عربی درباره‌ی مولوی پژوهان اشاره کرده و به شرح و تحلیل توصیفی مقالات، پرداخته است.

تفاوت این پژوهش با آثار دیگر پژوهشگران، در این است که در جریان آن، ضمن گزارش دقیق و امروزی، به بررسی و نقد آثار شارحان و مترجمان آثار مولوی به زبان عربی، توجه شده است.

افزون بر این، سه پرسش اساسی این پژوهش، عبارتند از:

- ۱- بازتاب شعر و اندیشه مولانا در جهان عرب و ادب عربی، چگونه است؟
- ۲- آیا شاعران و نویسندگان جهان عرب، از آثار و اندیشه‌های مولانا تأثیر پذیرفته‌اند؟
- ۳- ابزار بهره‌گیری ادبیات عرب از شعر و اندیشه مولوی، بیشتر از چه راه‌هایی بوده است؟

اما فرضیه‌ای که این پژوهش بر پایه آن بنیان نهاده شده، عبارت است از: دیدگاه پژوهشگران ادب عربی درباره‌ی شخصیت و شعر مولوی، دیدگاهی معتدل، مثبت و موازی است و بیشترین ابزار بهره‌گیری ادیبان جهان عرب، درباره‌ی مولوی از طریق «ترجمه» بوده است.

## ۲. پردازش تحلیلی موضوع

- ۲-۱. ترجمه‌ی آثار مولوی
- ۲-۱-۱. یوسف بن احمد المولوی

«یوسف بن احمد المولوی»، نخستین مترجم مثنوی معنوی به زبان عربی در سوریه است؛ چون طایفه‌ی درویشان دیار سوریه، از فهم شرح مثنوی ترکی عاجز بودند، یوسف برای یاری آنان، مثنوی را به عربی شرح کرد. (دین لویس، ۱۳۸۶: ۶۰۳) وی این شرح را با نام «منهج القوی لطلاب المثنوی» در سال ۱۲۳۰ هـ.ش به پایان رسانده است. ترجمه و شرح مثنوی، در شش جلد در سال ۱۲۸۹ هـ.ش / ۱۸۷۲ م در مصر چاپ شده است. «این شرح به زبان عربی و مشتمل است بر تفسیر تمام ابیات مثنوی که مصنف، آن را نخست به زبان تازی سست و سخیف نقل کرده و از آن پس به شرح ابیات پرداخته است» (فروزانفر، ۱۳۶۱: ۱۳) مطالب کتاب «منهج القوی»، در واقع ترجمه‌ای از شرح «اسماعیل انقروی» موسوم به «فاتح الأبیات» (شرح کامل مثنوی به زبان ترکی) است. «نویسنده



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

کتاب، بعضی از نقل قول‌های خود را از تفسیر «نجم‌الدین کبری» (بر قرآن) گرفته است و به این دلیل، این شرح به مذاق اهل طریقت کبرویه نیز خوش می‌آید» (دین‌لوئیس، ۱۳۸۶: ۶۰۳) «این شرح، گر چه شرح کاملی است اما در ترجمه برخی ابیات، اشتباهاتی نیز وجود دارد.» (جواهری، ۱۳۳۲: ۱۴)

## ۲-۱-۲. عبدالعزیز جواهری

«عبدالعزیز جواهری»، صاحب «جواهر الآثار» است که ترجمه کامل مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی را به زبان عربی، نگاشته است و آن را به صورت نظم در شش جلد، ترجمه کرده است. انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول آن را در سال ۱۳۳۲ و جلد ششم آن را در ۱۳۴۳ به چاپ رسانده است.

جواهری در آغاز، پیش از ترجمه‌ی متن کتاب، دو مقدمه در ذکر احوال و شخصیت مولانا و مریدان او آورده است: مقدمه اول، درباره‌ی شخصیت و محل زندگی مولانا، معرفی مریدان و شاگردان مولوی و در ادامه به معرفی شرح‌ها و تعلیق‌های نوشته شده به زبان‌های مختلف بر مثنوی، در هیجده صفحه پرداخته است. بنیاد کار او در ترجمه مثنوی، بر شرح «نهج‌القوی» از یوسف بن احمد المولوی، است که در شش جلد در مصر چاپ شده و آن را با نسخه‌ای از دو محقق به نام «محمد رضا» و «محمدولی» در «لکناهور» و با «لب لباب» شرح نهج‌القوی که فواید و تحقیقاتی از شرح «بحرالعلوم فارسی» هم به آن اضافه شده‌اند، تطبیق داده که در لکناهور در سه جلد، چاپ شده است.

مترجم، در مقدمه به سبک و زبان رمزی مولانا اشاره می‌کند «روح مولانا مانند معدنی از طلا است» و کتاب مثنوی را برگرفته از آن معدن می‌داند و از آن به عنوان «قرآن عرفان» تعبیر می‌کند و در ادامه به زندگی نامه‌ی خود اشاره می‌کند که اهل عراق است و دوران نوجوانی خود را در آن جا سپری نموده و همواره در



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمیمه) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

آرزوی ترجمه مثنوی بوده است: «كنت مغرمًا بترجمة المثنوی كغرام الهزار بالجنار» (جواهری، ۱۳۳۲: ۱) وی ابیات معدودی از مثنوی را به عربی ترجمه می‌کند. مدتی بعد که به ایران می‌آید این ترجمه‌ها را فراموش می‌کند؛ البته، غیر از ترجمه بیت سوم، دفتر اول مثنوی:

«ابتغی صدرًا تشظی بالنوی      لأبثَّ شرح آلام الهوی»:  
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق      تا بگویم شرح درد اشتیاق

(مولوی، ۱۳۷۳، ۱۵: ب ۳)

عبدالعزیز، برای ترجمه مثنوی، روشی عارفانه و زاهدانه درپیش می‌گیرد و شش سال را در «کرمانشاه» و اطراف آن به گوشه نشینی و ریاضت، سپری می‌کند و در این مدت، تنها دوست او، دفتر اول مثنوی و جوهر و قلم و شیخ «ابن السبعین سلیم الطولیه» معروف به «میرزا حسن خطاط» است و این اوقات فراغت و آرامش، برای او رضایت بخش بوده و فکر بسته و پوشیده او را برای ترجمه مثنوی به حرکت درآورده است. جواهری هر مصراع را به دو و به ندرت، به سه مصراع ترجمه می‌کند و گاهی به یک مصراع هم ترجمه کرده و تمام مصراع‌هایی را که بین دو نقطه در اول مصراع و دو نقطه در پایان مصراع آورده است، ترجمه‌ی اصل متن مثنوی نیست، بلکه تکمیل کننده‌ی آن است:

قال إذ جَدّوني من منبت      .. وأصبتُ بفراق خلتی ..  
(کز نیستان تا مر ببریده‌اند)      در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند)  
قد انتت أنا فی کل فریق      .. وحننت بین و رقیق ..  
من به هر جمعیتی نالان شدم      جفت بدحالان و خوشحالان شدم)

(مولوی، ۱۳۷۳، ۱۵: ب ۱ و ۵)

جواهری، در پانوشت ابیات ترجمه شده، شرح عربی و در پاره‌ی اوقات شرح فارسی آن‌ها را یا خود ابیات فارسی را با شماره‌گذاری می‌آورد. شرح عبدالعزیز،



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

شرح بسیار قوی و پخته‌ای است که از نبوغ مترجم، حکایت می‌کند. شاید ریاضتی که در ایران و در کرمانشاه متحمل شده و مصاحبت با «میرزا حسن خطاط»، انگیزه و راهنمای ترجمه و شرح ادبی و عرفانی مثنوی از سوی وی، باشد. در زیر، نمونه‌ای از ترجمه‌ی او از نی‌نامه مثنوی، نقل می‌شود:

(بشنو از نی چون حکایت می‌کند	از جدایی‌ها شکایت می‌کند)
(بشنو از نی چون حکایت می‌کند	.. وأصبت بفراق خلّتی ..
من ضجیجی المرأة والرجل	.. رحممة ضجاً دهاها الوجل)
(کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند	در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند)
(ابتغی صدراً تشظی بالنوی	لأبتّ شرح آلام السهوی)
(سینه خواهم شرحه شرحه از فراق	تا بگویم شرح درد اشتیاق)
(مولوی، ۱۳۷۳، ۱۵: ۱-۳)	



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

جواهری، مثنوی را به سبک ادبی ترجمه کرده و تلاش نموده است از آرایش‌های لفظی و معنوی از جمله، انواع صور خیال و جناس‌ها و سجع‌ها و... نیز استفاده کند. وی این، ترجمه منظوم را هم وزن با مثنوی مولانا در بحر «رمل مسدّس محذوف» سروده است.

## ۲-۱-۳. عبدالوهاب عزّام

از عبدالوهاب عزّام، کتابی به عنوان «فصول من المثنوی» در سال ۱۹۴۶م چاپ شده است. وی افزون بر این کتاب، مقالاتی را در شماره‌های ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۶۹ درباره‌ی مثنوی مولانا در مجله «الثقافة»، چاپ کرده بود که در «فصول من المثنوی» آنها را جمع کرده است. مترجم، مقدمه‌ای را برای فصل‌های ترجمه شده مثنوی مولانا قرار داده است این فصل‌ها مانند قصه «تاجر و بازرگان» و قصه «نخچیران و شیر» از جلد اول و مقدمه جزء دوم از مثنوی و ترجمه قصه اول به صورت نظم و این ترجمه عربی را با متن فارسی، پیوند داده است. تعداد

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

ابیات ترجمه شده تقریباً به صد بیت می‌رسد. عزّام، فصلی خلاصه، در معرفی مولانا در «قصه الأدب فی عالم» چاپ کرده است و در ضمن آن، مقدمه مثنوی را به صورت نظم ترجمه کرده است. (کفافی، ۱۹۶۶: ۶۲-۶۳):

(استمع النای غنّی والضحکی      شفّه الوجد وهدراً فشکی)  
(بشنو از نی چون حکایت می‌کند      از جدایی‌ها شکایت می‌کند)

(مولوی، ۱۳۸۱، د: ۱: ب ۱)

#### ۲-۱-۴ محمد عبدالسلام کفافی

محمد عبدالسلام کفافی از دیگر پژوهشگرانی است که مثنوی را ترجمه، شرح و تحلیل کرده است. ترجمه وی از مثنوی مولانا جلال‌الدین، در دو جلد و چاپ جلد اول آن در سال ۱۹۶۶م در ۶۵۰ صفحه و جلد دوم آن در سال ۱۹۶۷م در ۶۱۸ صفحه در بیروت چاپ شده است. کفافی، علاوه بر ترجمه و شرح مثنوی جلال‌الدین رومی، کتابی به نام «جلال‌الدین رومی فی حیاته و شعره» هم دارد. «ادبیات تطبیقی» کتاب دیگری از کفافی است که فصل شانزدهم این کتاب، به مثنوی‌های صوفیه اختصاص دارد. بخش آخر این فصل را به مولانا و مثنوی معنوی، از صفحه ۴۰۷ تا ۴۲۸ اختصاص یافته است. (کفافی، ۱۳۸۲: ۴۰۷-۴۲۸)

کفافی در «مثنوی مولانا جلال‌الدین الرومی» پیش از فهرست عناوین، مقدمه‌ای کوتاه در رابطه با شرح حال خود و انگیزه ترجمه مثنوی می‌نویسد. «تا پیش از رفتن به دانشگاه، هیچ گونه شناختی نسبت به جلال‌الدین رومی نداشتم. در ایام دانشجویی، که در دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره بودم (۱۹۴۳-۱۹۴۶) استاد، عبدالوهاب عزّام، که از محققان برجسته‌ی عربی در مثنوی بود. به ما ادبیات امت‌های اسلامی را تدریس می‌کرد. استاد، ما را در ایام تابستان، مجبور به خواندن صد بیت از مثنوی کرد و حتی از من خواست این ابیات را شرح کنم



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...



و این مشوق من، در توجّه به مولانا و آثار او بود. خود استاد عزّام در شماره ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۶۹ در مجله «الثقافه المصریّه»، سلسه مقالاتی درباره مثنوی نوشت. در این مدّت، به کمک کتاب منهج القوی لطلاب المثنوی یوسف بن احمد المولوی شروع به خواندن مثنوی و فهمیدن آن کردم و من، در پیشگاه مولانا، حکمت‌های روحی و زیبایی فکر و هنر را یافتم. در سال (۱۹۴۶-۱۹۵۳) هنگام تدریس در لندن، به مثنوی رجوع می‌کردم که بعد از مدّتی برای تدریس در دانشکده ادبیات قاهره به مصر برگشتم. در سال ۱۹۶۰ شروع به ترجمه مثنوی کردم و سعی در ساده نمودن و واضح کردن عبارات داشتم و شرحی موجز بر آن ترتیب دادم». (کفافی، ۱۹۶۶: ۶۲-۶۳)



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

کفافی، مقدمه‌ای نسبتاً طولانی در ۶۷ صفحه در دو فصل، برای کتاب نوشته که فصل اوّل را به معرفی مولانا و فصل دوم را به معرفی مهمترین اثر او، مثنوی معنوی، اختصاص داده است. فصل اوّل را به پنج بخش تقسیم کرده و بخش اوّل را مثل بیشتر کتاب‌ها، به بررسی و معرفی اندیشه‌های صوفیانه، مولوی اختصاص داده است. «مقام و منزلت مولانا در شعر صوفیانه در ادبیات ملل مسلمان، نظیر است و شاید در ادبیات بشری؛ کلی، برتر از او کسی را در این حوزه سراغ نداشته باشد» (کفافی، ۱۳۸۲: ۴۰۷) و در ادامه می‌نویسد کتاب‌های زیادی راجع به زندگی مولانا وجود دارد، اما آن‌هایی که حقایق را بیان کنند نادرند و این که در زندگی مولانا، روایاتی از معجزات و کارهای خارق العاده گزارش شده، تا آن جا که گویی تمام اشعار به او الهام شده است. وی در ادامه به زندگی نامه مولانا، نسب، محل اقامت و مذهب پرداخته است. در بخش دوم مقدمه به آثار مولانا و در بخش سوم به هنر مولانا و در بخش چهارم به موضوعات شعر مولانا و در بخش آخر به شعر تعلیمی مولانا اشاره کرده است. کفافی، در فصل دوم مقدمه (در بخش هفتم) شرح‌های مثنوی را به زبان‌های فارسی و ترکی و بررسی کرده

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

است و از قدیمی‌ترین شرح فارسی «کنوزالحقایق و رموزالدقائق» از «کمال‌الدین حسن خوارزمی کبروی» (ت. ۸۴۰ یا ۸۴۵ه) یاد کرده است. وی هم چنین کتابی درباره مثنوی، به نام «جواهرالأسرار و زواهرالأنوار» نوشته که نسخه خطی آن در کتابخانه وزارت هند موجود است. ترک‌ها در ترجمه و شرح مثنوی، نسبت به دیگران بر طولایی دارند و علت آن را اقامت مولانا در قونیه می‌دانند و معتقدند مولوی به شیوهی آن‌ها عمل کرده و تأثیر ژرفی از آنان گرفته است. ترک‌ها چون زبان فارسی نمی‌دانستند، بنابراین، بیش از فارسی‌زبانان، به شرح نیاز داشتند. مهم‌ترین شرح‌های ترکی، «شرح شمعی» و «اسماعیل انقروی» است. اما بسیاری از افراد اهل مطالعه، در میان عرب‌ها، برخلاف سایر خوانندگان ادبیات اسلامی، مولانا را نمی‌شناسند. از این میان، کسانی هم به مولانا توجه داشته‌اند که مشهورترین آن‌ها «یوسف بن احمد المولوی» در قرن نوزدهم است که شرحی عربی به نام «منهج القوی لطلاب المثنوی» به شیوه ترک‌ها نوشته است کفافی به شرح‌های انگلیسی و آلمانی و... هم پرداخته است که به دلیل طولانی شدن مبحث از آن خوداری می‌کنیم. (ر.ک: کفافی، ۱۹۶۶: ۵۱-۶۱) کفافی در سال ۱۹۶۶ در دانشگاه لندن، و در سال ۱۹۶۳ در بیروت، درباره‌ی مولوی به سخنرانی پرداخته است؛ سخنرانی نخست او در مجله «المستمع الغربی» در شماره هشت از سال نهم، چاپ شده و مقاله دوم در سال ۱۹۶۳ به همراه برگزیده‌ای از مثنوی، ترجمه شده است. (همان: ۶۳-۶۴) وی در مقدمه جلد دوم کتاب ترجمه مثنوی، نکاتی راجع به قصه نویسی مثنوی، روش و منابع قصه‌های وی نیز بیان کرده است. شیوه ترجمه محمد کفافی بدین سبک بوده است: ۱. مترجم، نسخه تصحیح شده نیکلسون را اساس این ترجمه قرار داده است. علت آن را دستیابی آسان به آن و اعتماد به نیکلسون در انتخاب نسخه‌های صحیح خطی می‌داند و در برخی موارد، چاپ نیکلسون را با دیگر نسخه‌ها هم تطبیق داده و گاهی آن نسخه‌ها را

بر چاپ نیکلسون ترجیح داده است. ۲. نشانه‌ها و علامت‌های به کار رفته در متن، همان چیزی است که در نسخه نیکلسون آمده است. ۳. مترجم، سعی نموده که ترجمه تا حد ممکن مطابق و وفادار به متن باشد و اگر نکته‌ای به ترجمه اضافه کرده آن نکته را در داخل پرانتز آورده است:

(هذا الحكمة (التي يرو يها) قد حرمت علي من لاعقل به

فليس هناك من يشتري بضاعة لسان سوي الأذن

(كفافي، ۱۹۶۶: ۷۴)

(محرم این هوش جز بیهوش نیست      مر زبان را مشتری جز گوش نیست)

(مولوی، ۱۳۷۳، ۱۵: ب ۱۴)

مع هذا فإن عين الحريص (على دنیا) لا تمتليء

(ولا يغمض لها جفن) وما يحفل الصدف بالدر الاحين يغمض)

(كفافي، ۱۹۶۶: ۷۵)

(روزها گر رفت گو رو باک نیست      تو بمان ای آنکه چون تو پاک نیست)

(مولوی، ۱۳۷۳، ۱۵: ب ۱۶)

کفافی در ترجمه کتاب مثنوی، برداشت شخصی خود را برگزیده هر چند که در بسیاری از موارد با نظری دیگر مترجمان، متفاوت باشد. ۵. سعی در رعایت ایجاز در شرح خود داشته است و از تأویل‌های دور و دشوار و از سخنان حاشیه‌ای، پرهیز نموده است. ۶. وی ترجمه برخی کلمات را نیز در پاورقی آورده است؛ این ترک «الاستثناء» عندی قسوة ولست أعني به مجرد القول الذی هو حالة عارضة، (لا يؤمن بها القلب) «الاستثناء هنا يقصد به تعليق الإنسان إرادته على إرادة الله» (كفافي، ۱۹۶۶: ۷۷) از ترجمه‌های اوست:

(استمع النای کیف یقص وحکایة      إنّه یشکو آلام الفراق)

(بشنو از نی چون حکایت می‌کند      از جدایی‌ها شکایت می‌کند)

(كفافي، ۱۹۶۶: ۷۳)



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

فروزان فر، شرح و ترجمه دفتر اوّل مثنوی کفافی، به زبان عربی را شرحی مفید و در خور تحسین می‌داند. (فروزانفر، ۱۳۶۱: ۱۳)

#### ۲-۱-۵. ابراهیم الدسوقی الشتا

ابراهیم الدسوقی الشتا، شاگرد عبدالسلام کفافی بود. وی نیز تحقیقات گسترده‌ای درباره‌ی فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی، از جمله درباره‌ی مولانا جلال‌الدین، انجام داده است و توانسته مثنوی مولانا را در شش جلد در سال ۱۹۸۸م در قاهره ترجمه و منتشر نماید. علاوه بر آن، گزیده‌ای از «غزلیات شمس تبریزی» را به نام «مختارات من دیوان شمس‌الدین التبریزی» ترجمه کرده بود که برای اولین بار در سال ۲۰۰۰م منتشر شد. (به نقل از رسولی، ۱۳۹۱: ۴)

#### ۲-۱-۶. محمد محمدی اشتهاودی

محمد محمدی اشتهاودی، پژوهشگر ایرانی است که مدّتی را در دانشگاه لبنان، استاد کرسی زبان و ادب فارسی و سردبیر مجله «الدراسات الأدبیة» بوده است. وی مجموعه‌ای از حکایات مثنوی مولانا جلال‌الدین را به زبان عربی به نام «قصص المثنوی» ترجمه کرده است. مؤلف، در مقدمه کتاب به معرفی زندگی، شخصیت و آثار مولانا، پرداخته است. نویسنده، هدف از تألیف کتاب را از دید مولانا، نشان دادن انسان کامل، وجدان پاک او و تقویت شخصیت روحی انسان می‌داند و عرفان مولانا را به دو نوع تقسیم می‌کند: ۱- عرفان ایجابی که در آن، انسان در همه ابعاد انسانی و اسلامی، پهلوانی است در میادین تزکیه و تذهیب. ۲- عرفان سلبی، انسان را از زندگی حقیقی، خارج می‌کند و به عزلت و انزوا می‌کشاند. (محمدی اشتهاودی، ۱۹۹۸: ۱۲) وی «فلسفه» را از دید مولانا، بدون عرفان و عشق الهی، بی‌معنا می‌داند. مؤلف کتاب، در پایان مقدمه به دو نکته اساسی اشاره می‌کند: ۱- مولوی از فرهنگ اسلامی، اطلاعات فراوانی داشته است. ۲- برخی



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

از الفاظ به کاررفته در شعر مولوی، نیاز به تأمل دارد و در واقع بیشتر، همان معنای رمزی مورد نظر اوست. این کتاب، در دو بخش تألیف شده که بخش اول آن شامل «نود» و «شش» داستان و بخش دوم «صد» و «چهار» داستان است. مترجم این کتاب، قصه‌های مثنوی، را کاملاً به شکل منثور آورده که با نثری ساده و موجز بیان نموده و نتواسته است که شعرهای مثنوی به ویژه شعر حکمی را به نظم عربی آورد. البته شاید اقتضای کارش چنین بوده تا اثرش بیشتر بتواند مورد استقبال همه خوانندگان قرار بگیرد.

#### ۲-۱-۷. عیسی علی العاکوب

عاکوب، اهل سوریه، شیفته‌ی عرفان مولانا بوده است. وی کتاب‌های زیادی درباره‌ی مولانا و آثارش از انگلیسی و بعضی نیز از فارسی به عربی، ترجمه کرده است که نخستین کتابش ترجمه‌ی «ید الشعر» از انگلیسی به عربی است که مجموع سخنرانی‌های «عنایت الله خوان» در آمریکا است. سخنرانی‌های این کتاب، درباره سنایی، مولوی، حافظ، عطار، خیام و سعدی است. دومین اثر وی، ترجمه‌ی کتاب «الشمس المتتصره» می‌باشد که ترجمه‌ای از کتاب شکوه شمس تألیف «آنه‌ماری شیمل» نویسنده آلمانی است که عاکوب، آن را از انگلیسی به عربی ترجمه کرده است. مترجم در این کتاب، حدود ۱۳ صفحه به سبک ترجمه، اهمیت و معرفی نویسنده آن، و نیز برخی افکار و اندیشه‌های مولوی، اشاره کرده است. ضمن این که وی اضافه می‌کند که از ترجمه فارسی این کتاب، به نام شکوه شمس - که به اهتمام حسن لاهوتی ترجمه شده است - استفاده کرده و آن را با متن انگلیسی، مقایسه نموده است باقی ماند.

سومین ترجمه او، کتاب «جلال‌الدین الرومی و التصوف» از «ایقادی ویترا میتریچ» از انگلیسی به عربی است. چهارمین کتاب ترجمه شده، «فیه ما فیه» در سال



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

۲۰۰۲م ست که مترجم از ترجمه «آربری» و کتاب فروزانفر، استفاده کرده است و پنجمین کتاب وی، «ید العشق» است که برگزیده‌ای از دیوان شمس است و در سال ۱۴۲۳هـ ق/ ۲۰۰۲م توسط ناشر «منشورات المستشاریه الثقافه للجمهوریه الإسلامیه الإيرانيه بدمشق» چاپ شده است. مترجم، اصل ابیات به فارسی را نیز در این ترجمه آورده است. وی کتاب کلیات شمس، به کوشش فروزانفر و ترجمه انگلیسی آن را در این ترجمه در اختیار داشته است. ششمین اثر وی، «مجالس سبعة» است که ترجمه آن از فارسی به عربی است و دیگری «ترجمه رباعیات مولانا» در سال ۲۰۰۴م به چاپ رسیده و آخرین اثر وی، «ترجمه رسائل مولانا» است که در سال ۲۰۰۸م منتشر گردیده است. (خسروی، ۱۳۸۲: ۲۳)

## ۲-۲. کتاب

### ۲-۲-۱. عنایة الله ابلاغ افغانی

این نویسنده، مؤلف کتاب «جلال‌الدین الرومی بین الصوفیه و علماء کلام» است که در سال ۱۹۸۷م از سوی انتشارات «دار المصریه لبنان» چاپ شده است. «یحیی خشاب»، مقدمه‌ای بر آن نوشته و در آن به افکار و اندیشه‌های مولوی اشاره کرده است. به نظر می‌رسد که این کتاب، جدی‌ترین کتاب عربی در نقد افکار و اندیشه‌های مولوی در تصوف است، این کتاب هفت باب دارد، باب اول در بیان احوال بلخ در قرن‌های پنجم و ششم هجری است و باب دوم در بیان تصوف در روزگار جلال‌الدین، باب سوم به نقد و بررسی عوامل و شخصیت‌های تأثیرگذار بر مولوی پرداخته است: عشق الهی، مکتب صوفیانه، مسئله وحدت وجود، از آن جمله است. باب چهارم، به آثار مولانا و باب پنجم: جلال‌الدین بلخی و تصوف، و در باب ششم به بیان اندیشه‌های مولوی در زمینه مراد، مرید، توکل، ادبیات صوفیانه و ملامتیه پرداخته است. وی در باب هفتم، بابی را گشوده



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

که به بررسی اندیشه‌های تلاقی و فلسفی مولوی و تأثیر گذاری او بر این جریان پرداخته است. و با استناد به شعر مولوی و آیات قرآن بسیاری از اندیشه‌های وی را راه حل مناسب در برخورد با جریان انحرافی عرفان و تصوف می‌داند. (افغانی، ۱۹۸۷: ۳۲۸-۳۷۶) در بخش پایانی کتاب، نیز نویسنده به نقد برخی خطاهای فکری مولوی پرداخته است. مثلاً اینکه مولوی اشاره کرده است آل فرعون در رود نیل غرق شده‌اند در حالی که به نظر ایشان در دریای سرخ غرق شده‌اند. وی بر برخی از احادیثی که مولوی در مثنوی آورده است، نیز تعلیقات و نقدهایی نوشته است. (همان: ۳۷۷-۳۹۳)

#### ۲-۲-۲. أبو الفضل محمد بن عبدالله القونوی

قونوی، مؤلف کتاب «أخبار جلال الدین الرومی و وفات مع ترجمته فی کتاب رجال الفكر و الدعوة فی الإسلام» است که در سال ۱۴۲۱هـ. ق/ ۲۰۰۰م از سوی «دارالنشر» در ۵۶۸ صفحه چاپ شده است. مؤلف، این کتاب را با یک مقدمه در ۱۷ صفحه و در چهار فصل، تنظیم کرده که فصل اول آن در چهار بخش است: سبب فی الوضع الكتاب ۲- سیره موجزه ۳- جلال الدین الرومی عند نقاد علماء شرعیه ۴- جلال الدین الرومی بین الوجودیه. نویسنده، فصل دوم را با مقدمه‌ای در دو بخش (نبذه من عقیده الوجودیه من الصوفیه فی الله تعالی و مفهومهم من عن انسان و أخلاق) آغاز کرده، که بخش اول آن «المغول و الفتوة فی الأناضول علاقة جلال بهما» و بخش دوم «رای إمام محقق فی المغول بعد إسلامهم». فصل سوم در «أخبار الجلال و من حوله (وتحوی أخبار: الشمس التبریزی، والصلاح زركوب، والحسام چلیپی، وسلطان ولد، و عارف چلیپی، ومولویین آخرین، و فقر شتی)» است. و فصل چهارم را به «نمونه‌هایی از معانی مثنوی ۱- معجزه و تحذیر ۲- المثنوی: موضوعه، و وقفه مع مقدمته ۳- ترجمه نماذج من آیاته»



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

اختصاص داده است. از دیگر کتاب‌های چاپ شده به زبان عربی درباره‌ی مولوی، می‌توان به کتاب «العرفان الصوفی عند جلال‌الدین الرومی» تألیف «فرحناز رفعت جو» اشاره نمود که از سوی انتشارات «دارالهادی» در بیروت در ۴۸۰ صفحه در سال ۲۰۰۸م چاپ شده است. «محمد قجه» نیز کتاب «ابحاث الندوة العلمية الدولية جلال‌الدین الرومی، رائد الفكر الانساني والتصوف» را با «منشورات هیئة العامة السوریة للكتاب»، در ۳۰۳ صفحه در ۲۰۰۹م چاپ نموده است.

## ۲-۳. مقالات

### ۲-۳-۱. عبدالوهاب عزام

عزام از مولوی پژوهان بزرگ مصری است که علاوه بر ترجمه عربی مثنوی مولوی «فصول من المثنوی»، مقالاتی هم با عنوان «مولانا جلال‌الدین الرومی» که بیشتر در تحلیل مثنوی است در چهار شماره ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۶۹ در نشریه علوم انسانی «الثقافة» در سال ۱۳۶۱ هـ ق به چاپ رسانده است. وی در مقاله‌ی شماره ۱۶۷ آن مجله، به معرفی مثنوی و توضیحاتی راجع به فصل‌های آن و این که مولانا قسمتی از داستان‌هایش را از آیات و احادیث و حکم و قصص دیگر منابع، تضمین کرده اختصاص داده است و مقاله شماره ۱۶۸ هم تکمله مقاله قبلی است که درباره‌ی تضمین آیات و احادیث مولانا در مثنوی، در چهار صفحه پرداخته است. مقاله شماره ۱۶۹ راجع به «قضا و قدر» در مثنوی است که داستان «نخچیران و شیر» را در مثنوی که مولانا از کلیله و دمنه اقتباس کرده است، تحلیل نموده است.

### ۲-۳-۲. نبیل عبدالعزیز عید

وی سه مقاله درباره‌ی مولانا نگاشته است: اولین مقاله به نام «فن الغزل و ما حرف من تغییر و تطور من خلال شاعر الصوفیة الأكبر جلال‌الدین» در نشریه



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...





فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

علوم انسانی «آداب المستنصریة» در شماره ۱۴، سال ۱۴۰۶، در صفحه ۱۴۷-۱۶۰ چاپ شده است. مؤلف، این مقاله را در بخش‌های ۱- نبذة من حياة الشاعر جلال‌الدین رومی، ۲- فن الغزل ما حدث له من تغییر و تطور منشأ الغزل، ۳- نشأه الغزل، ۴- الناحیه الفنیه، ۵- تطور من الغزل عند جلال‌الدین رومی شاعر صوفیه (۱- موسیقی دیوان، (الموسیقی الخارجی، الموسیقی الجانیه، الموسیقی الداخلیه) ۲- تصویر، ۳- رمز وایحاء ۴- اللفظ والمعنی) تنظیم کرده است. نویسنده، در این مقاله از هشت منبع عربی و هفت منبع فارسی و دو منبع اروپایی استفاده کرده است. مقاله دوم «الله والانسان والعقل والقلب فی الادیان شمس تبریزی لشاعر صوفیه الجلال‌الدین الاکبر» در سال ۱۴۰۷ شماره ۱۵ در مجله «العلوم الإنسانیة، آداب المستنصریة» به چاپ رسیده است. نویسنده در آغاز، مولانا را شاعر صوفی مسلک معرفی می‌کند و درباره‌ی القاب و محل تولد و محل دفن و کوچ و... توضیح می‌دهد. وی قسمت اصلی مقاله را به سه بخش، تقسیم می‌کند که بخش اول را به نقش انسان و بخش دوم را به نقش عقل و بخش سوم را به نقش قلب در دیوان شمس اختصاص داده است. البته نویسنده، در عنوان به لفظ الله هم اشاره کرده اما در متن، توضیحی راجع به آن نیاورده است. از نظر وی، مولانا در بخش انسان معتقد است که انسان و موجودات مانند آینه‌اند آن گونه که آینه، تصاویر را طبق حجم کوچک و یا بزرگ در خود انعکاس می‌دهند حضرت حق بر طبق استعداد و قابلیت موجودات، در آنها تجلی می‌کند.

ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم      باز همانجا رویم خواجه که آن شهر ماست  
خود ز فلک برتریم و از ملک افزون‌تریم      زین دو چرا نگذریم، منزل ما کبریاست

نویسنده، ابیات را به عربی ترجمه کرده و در ادامه توضیح می‌دهد که انسان، در دیوان شمس از جایگاه والایی برخوردار است. شاعر دائماً به جانب روحانی



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

اندیشه مولوی اشاره می‌کند. اصل علوی انسان را گرامی می‌دارد و می‌خواهد به فوق سؤال و جدال شکیات و علم و جنس و نوع دست یابد (عید، ۱۴۰۷: ۳۶) وی در بخش دوم، عقل در دیوان شمس، بر این عقیده است که مولانا، عقل را برای انسان، مانند عصا برای کور می‌داند. در بخش سوم، با قلب در دیوان شمس اختصاص، نویسنده، توضیح می‌دهد که مولانا هم مانند بسیاری از بسیار از قلب صوفیه سخن می‌گوید و برای آن از دیوان شمس، مثال‌هایی می‌آورد. نویسنده در این مقاله از ۷ منبع عربی و ۵ منبع فارسی و ۳ منبع اروپایی استفاده کرده است. مقاله سوم از عبدالعزیز عید با عنوان «اثر القرآن الکریم فی شعر جلال‌الدین الرومی من خلال الکتاب الاوّل من المثنوی» است که در مجله «العلوم الإنسانیة، آداب المستنصریة» در شماره ۱۴، در سال ۱۴۱۰ ه. ق به چاپ رسیده است. نویسنده این مقاله را به سه بخش تقسیم کرده است که در بخش اوّل به معرفی مولانا، زندگینامه، القاب و ... می‌پردازد. در بخش دوم به آثار ادبی مولانا می‌پردازد آن را به دو قسمت نظم و نثر تقسیم می‌کند و در بخش سوم، به بحث اصلی مقاله یعنی تأثیر قرآن کریم در شعر مولوی با محوریت دفتر اوّل مثنوی می‌پردازد. نویسنده، در آغاز، آیه‌ای از قرآن را ذکر می‌نماید سپس بیتی از مثنوی را که مطابق با آیه ی قرآنی است قرار می‌دهد آن بیت را به زبان عربی نیز ترجمه کرده است. وی، در پاورقی مقاله، اصل بیت را به فارسی می‌آورد. نویسنده به این شیوه ۵۴ بیت از دفتر اوّل مثنوی را مطابق با آیات قرآنی قرار می‌دهد. مثال «ان يتبعون الا الظنّ و ما تهوى الأنفس و لقد جاءهم من ربهم الهدی» (سوره نجم/ ۲۲)

وقد ظن كل انسان انه قد اصبح لي رفيقا  
ولكن احدا لم ينقب عما كمن فسي باطنی من الأسرار  
هر کسی از ظن خود شد یار من  
و درون من نجست اسرار من

(عید، ۱۴۱۰: ۱۸۷)

وی، ابیات مثنوی را براساس تصحیح «نیکلسون» چاپ لندن، انتخاب کرده است. در این مقاله ۲۴ صفحه است ای نویسنده از ۶ منبع عربی و ۳ منبع فارسی و یک منبع اروپایی استفاده کرده است.

### ۲-۳-۳. بدیع الزمان فروزانفر

فروزانفر، مقاله «الشاعر الفارسی الكبير جلال الدین المولوی المعروف بالرّومی اكبر شعراء التصوّف والعرفان» را در نشریه زبان و ادبیات «الدراسات الأدبیة» سال اول، شماره ۴، در سال ۱۳۳۸ از صفحه ۵۱-۶۸ به چاپ رسانده است. وی مقاله را به ۵، بخش تقسیم کرده که بخش اول را به زندگینامه مولانا، بخش دوم را به عهد تحصیل و سفر او به کشورهای اطراف جهت یادگیری علوم ظاهری، بخش سوم را به تحوّل روحی مولانا به واسطه ملاقات با شمس تبریزی، بخش چهارم را به مقام ادبی و شعر مولوی و بخش آخر را در هشت صفحه به معرفی آثار مولانا اختصاص داده است. در این مقاله، فهرست منابع نیامده است.

### ۲-۳-۴. عارف تامر

این نویسنده سوری، که بیشتر تحقیقاتش را درباره‌ی مذهب اسماعیلی به انجام رسانده و کتاب‌های بسیاری در این مورد نوشته است، مقاله‌ای با عنوان «حول جلال الدین الرومی» را در نشریه زبان و ادبیات «الدراسات الأدبیة» در سال ۱۳۳۹ در شماره ۲ صفحه ۱۹۹-۲۰۶ چاپ نموده است که این مقاله، هم در زمینه مذهب اسماعیلی است. وی با ذکر دلیل‌ها و شواهدی ادعا می‌کند که مولوی با توجّه به علاقه وافر که به شمس تبریزی داشته از مذهب اسماعیلی وی، تأثیر پذیرفته است: شمس تبریزی، نواده پیشوایان نزاریان اسماعیلی است که در قلعه «الموت» در «فارس» حکمرانی می‌کردند و دیگر این که منابع اسماعیلی اشاره می‌کنند که شمس، فرزند «رکن‌الدین خیرشاه» آخرین پیشوای



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

نزاریان در الموت است که در حمله «هلاکو» به قلعه‌های اسماعیلی در فارس کشته شد. شمس در آن زمان، خیلی کوچک بوده و به واسطه یکی از پیروانش به آذربایجان برده شد. با این وجود، شمس، مذهب اسماعیلی داشته و مولانا هم که شمس را به عنوان الگوی والای خود انتخاب کرده، احتمالاً دارای مذهب اسماعیلی بوده است. (تامر، ۱۳۳۹: ۲۰۱-۲۰۲)

### ۲-۳-۵. محمد یحیی الهاشمی

نویسنده، در مقاله «جلال الدین الرومی من خلال کتاب «خلاصه مثنوی» للأستاذ بدیع الزمان فروزانفر» در نشریه زبان و ادبیات «الدراسات الأدبیة» در شماره سوم، سال دوم، در سال ۱۳۳۹، از صفحه ۳۵۹-۳۶۶ بیان می‌کند که از طریق مقاله‌ای که از استاد فروزانفر در سال اول، شماره چهارم، مجله «الدراسات الأدبیة» به عنوان «الشاعر الفارسی الكبير جلال الدین المولوی المعروف بالرومی اکبر شعراء التصوف و العرفان» منتشر شد، با جلال الدین رومی آشنا شده است. نویسنده در این مقاله، به معرفی مولانا از نظرگاه فروزانفر در کتاب «خلاصه مثنوی» و به معرفی این کتاب و جنبه‌های مثبت و به توضیح ابیاتی از آن و دیدگاههای فروزانفر می‌پردازد. وی ترجمه ابیات مثنوی به عربی را از کتاب «فصول من المثنوی» عبدالوهاب عزام، انتخاب می‌کند.

### ۲-۳-۶. علی دشتی

مقاله «رحله فی دیوان شمس» از علی دشتی، در نشریه زبان و ادبیات «الدراسة الأدبیة» شماره ۱۹ و ۲۰ در سال ۱۳۴۲ صفحه ۲۳۱-۲۴۶ چاپ شده است. نویسنده در این مقاله، اطلاعات بسیار زیادی درباره‌ی دیوان شمس و افکار مولانا به عربی در اختیار عرب زبان‌ها قرار می‌دهد. وی، بر این عقیده است که دیوان شمس و مثنوی آن قدر با هم تفاوت دارند که می‌توان تصوّر کرد دو



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

مؤلف جداگانه دارند. و مولانا در مثنوی مانند یک عارف، مفسر، فقیه و... جاوه می‌نماید اما در دیوان شمس در پشت مفاهیم قلندرانه از عشق حقیقی و عرفان به دور از زهد سخن می‌گوید که خوانندگان عادی از درک آن ناتوانند.

### ۲-۳-۷. اکرم زعیترا

مقاله «حول مقال رحله فی دیوان شمس» از اکرم زعیترا است که نویسنده پیرامون مقاله «رحله فی دیوان شمس» اثر علی دشتی، در ۵ صفحه در نشریه زبان و ادبیات «الدراسة الأدبیة» شماره ۲۷ و ۲۸ در سال ۱۳۴۴ این نوشته را چاپ کرده است. وی در این مقاله، بیان می‌کند که در یکی از روزهای نوروز با مقاله علی دشتی به زبان عربی مواجه شدم که بسیاری از آن چه را درباره‌ی شمس تبریزی و دیوان شمس مولانا نمی‌دانستم، آگاه شدم و بسیار از آن خشنودم.

### ۲-۳-۸. سعید علی

این نویسنده، مقاله‌ای با عنوان «مثنوی جلال‌الدین الرومی شاعر الصوفیه الأكبر» در نشریه زبان و ادبیات «الدراسات الأدبیة» شماره ۲۹ و ۳۰ در سال ۱۳۴۵ در صفحه ۱۶۱-۱۶۳ چاپ شده است. نویسنده، در این مقاله، مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی را که توسط عبدالسلام کفافی به زبان عربی ترجمه کرده است، معرفی می‌کند و تنها به معرفی جلد اول نیز بسنده می‌نماید.

### ۲-۳-۹. عبدالوجود عبدالحافظ

مقاله این نویسنده که با عنوان «الدراسة التحلیلیة؛ جلال‌الدین الرومی» در نشریه علوم انسانی «الرسالة» در شماره ۷۵۹ در سال ۱۳۶۷ چاپ شده است، به معرفی شخصیت مولانا و شرح ویژگی‌های فکری و روحی وی در مثنوی و بیان نکاتی راجع به تصوف، از دیدگاه مولانا در سه صفحه اختصاص دارد.



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

## ۲-۳-۱۰. عبدالعزیز چنگیز خان ترکستانی

ترکستانی این مقاله را در نقد و رد مقاله «محمد خلف الله» نوشته است که آن نویسنده، آراء متفکران غربی را در باب شعر و شخصیت مولوی بیان نموده است. وی در مقاله، «مولانا جلال الدین الرومی فی میزان التاریخ و العقیده» که در نشریه زبان و ادبیات «الثقافه» در شماره ۱۶۰ در سال ۱۳۶۱ ه. ق چاپ نموده، اصرار دارد که مولانا ترک است و عقیده دارد این که برخی از محققان غربی، مولانا را اهل ایران دانسته‌اند در اشتباهند. دلیل ترکستانی بودن مولانا، این است که مولانا و خانواده‌اش اهل بلخ بوده‌اند و این سرزمین اکنون جزء افغانستان به حساب می‌آید و مردمان آن سرزمین، ترک هستند و به زبان ترکی صحبت می‌کنند. و دیگر این که از «بهاء‌ولد»، پدر مولوی، در مقدمه تاریخی مثنوی نقل می‌کنند که (ما از اترک این ناحیتیم از قدیم اجداد ما از آب آمو بودند) بنابراین، مولانا و خانواده‌اش ترک به حساب می‌آیند (ترکستانی، ۱۳۶۱: ۸۹ و ۹۰). دیگر این که در مقاله «محمد خلف الله»، مولوی از جانب محققان اروپایی، اهل تناسخ شناخته می‌شود، اما ترکستانی در این مقاله با بهره‌گیری از شواهد، در صدد رد این نظر برآمده است.

## ۲-۳-۱۱. عامر عقاد

مقاله «صوفی شاعر و شاعر صوفی لحظات مع صاحب المثنوی» در نشریه علوم انسانی «منبرالاسلام» شماره اول، در سال ۱۳۸۳ ه. ق از صفحه ۱۲۷-۱۲۹ از عقاد چاپ شده است. نویسنده، در آغاز به زندگی نامه مولوی اشاره می‌کند و در ادامه به مسلک صوفیانه‌ی وی و دیدار او با شمس تبریزی پرداخته و بیان می‌کند مثنوی مولانا، دربرگیرنده حکایت‌ها، قصه‌های رمزی، امثال و خواطری است که هدف مولانا از بیان آن‌ها، شرح مذهب صوفیه و توضیح آن بوده است. (عقاد، ۱۳۸۳: ۱۲۸)



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

### ۲-۳-۱۲. نصرالله پورجوادی

مقاله‌ی با عنوان «مسأله تشبیه و تنزیه در مکتب ابن عربی و مولوی و مقایسه شیوه بیان آنان» که در سال ۱۳۶۳، در مجله علوم انسانی، معارف، شماره ۲، صص ۳-۲۴ چاپ شده است. وی در آن به مقایسه مسأله «تشبیه» و «تنزیه» از نگاه ابن عربی و مولوی و شمس تبریزی پرداخته و نتیجه می‌گیرد که نقطه اشتراک آن‌ها در این است که تشبیه و تنزیه به تنهایی، کامل نیست و سالک نباید در آن توقف کند، و تفاوت آن‌ها در نحوه بیانشان است که ابن عربی به این مسأله به شیوه نظری، پاسخ می‌دهد، اما مولانا و شمس به گونه‌ای داستانی و عامیانه پاسخ می‌گویند.

### ۲-۳-۱۳. پروفیسور اینچی کوچاک

مقاله «بررسی نی در آثار مولانا و جبران خلیل جبران» به زبان فارسی در سال ۱۳۷۲ در مجله نامه فرهنگ، شماره ۱۰-۱۱، صص ۱۱۵-۱۱۷ ترجمه شده است. نویسنده در مقاله، بیان می‌کند که «جبران خلیل جبران» در «مواکب»، از مولوی تأثیر پذیرفته و در ادامه، دو بیتی از جبران را انتخاب می‌کند که به تأثیرپذیری جبران در سرودن آن قطعه‌ها از مولوی استناد می‌کند.

### ۲-۳-۱۴. سیدحسن امین

امین در مقاله‌ای با عنوان «ملاقات مولانا با ابن عربی» که در سال ۱۳۷۵، در مجله «فلسفه، کلام و عرفان»، کیهان اندیشه، شماره ۶۹، صص ۱۴۵-۱۴۹ چاپ شده است. وی می‌نویسد با وجود این که مقاله‌ای تحت عنوان «التقای دو دریا» از منوچهر صدوقی سها که درباره‌ی ملاقات و افاده و استفاده مولانا و ابن عربی و صدرالدین قونوی است و در آن، به ارتباط و ملاقات این اشخاص، با هم پرداخته امین در این مقاله، با ذکر نکته‌هایی بیان می‌کند که ملاقات مولانا با ابن عربی مورد تردید است و یکسانی بودن مقام مولوی با صدرالدین قونوی،



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

شاگرد ابن عربی، تأثیرپذیری مولانا را از ابن عربی رد می‌کند. وی در مقاله‌ی دیگری با عنوان «پیوند مولانای رومی با ابن عربی» که در سال ۱۳۷۶، در مجله علوم انسانی، ایران شناسی، شماره ۳، صص ۴۶۵-۴۷۹ چاپ کرده است. در آغاز، به ملاقات این دو نفر، سپس حشر و نشر مولانا با صدرالدین قونوی و در پایان با بیان شواهد و مدارکی، درصدد رد تأثیر مستقیم ابن عربی بر مولانا است. و بخش دوم این مقاله، عنوان «تأملی در پیوند فکری مولوی و ابن عربی (۲)» دارد که تکمیل کننده بخش قبلی آن است در سال ۱۳۷۹، در فصلنامه زبان و ادب وابسته به دانشکده علامه طباطبائی - دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، شماره ۱۳، صص ۶۰-۷۵ چاپ شده است.

#### ۲-۳-۱۵. غلام حسین ابراهیمی دینانی

مقاله‌ی «عالم خیال در نظر مولوی و ابن عربی» که در سال ۱۳۷۷، در مجله «فلسفه و کلام و عرفان»، خردنامه صدرا، شماره ۱۴، صص ۱۱-۱۶ چاپ شده که در آن نویسنده بیان می‌کند که جهان، از نظر مولوی براساس عالم خیال استوار است، همان گونه که صلح و جنگ هم بر اثر خیال است و ابن عربی معتقد است که خداوند، عالمی را بزرگتر از عالم خیال نیافریده است. نویسنده در این رویکرد، به گونه‌ای، به تأثیرپذیری مولوی از ابن عربی را تایید می‌کند.

#### ۲-۳-۱۶. سهیلا صلاحی مقدم

«نغمه‌های الهی مولانا جلال‌الدین محمد و جبران خلیل جبران» در سال ۱۳۷۸، نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۰۵-۱۲۳ در این مقاله، نویسنده بیان می‌کند: نی که جبران در پیامبر از آن یاد می‌کند همان نی است که مولانا مثنوی را با آن آغاز کرده و نی‌نامه مولانا را با قصیده المواکب و قطعه نای جبران خلیل جبران، مقایسه می‌کند.





## ۲-۳-۱۷. ویلیام چتیک

مقاله‌ای با عنوان «ابن عربی، مولانا و اندیشه وحدت» که «ابوالفضل محمودی» آن را در دو بخش ترجمه کرده که بخش اول آن در سال ۱۳۷۹، در مجله «فلسفه، کلام و عرفان»، پژوهش‌های فلسفی، کلامی، شماره ۵ و ۶، صص ۱۷۸-۲۰۷ چاپ شده است و در بخش اول آن، به ذکر معنای لغوی اندیشه وحدت و تاریخچه آن در میان صوفیه از قرن دوم تا زمان ابن عربی، پرداخته است و سپس با تفصیل بیشتر درباره‌ی روش ابن عربی و دیدگاه‌های او و بعضی شاگردانش توضیح داده است و بخش دوم آن که در سال ۱۳۸۰ در مجله «فلسفه، کلام و عرفان»، پژوهش‌های فلسفی، کلامی، شماره ۷ و ۸، صص ۱۰۷-۱۲۰ چاپ شده است. وی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان اندیشه وحدت و به رد احتمال تأثیری‌پذیری مولوی از ابن عربی پرداخته است.

## ۲-۳-۱۸. عمار جیدل

این استاد دانشگاه الجزایر، مقاله‌اش را با عنوان «أثر الأدب الفارسی فی الأدب العربی دراسة فی حضور المثنوی الفارسی فی المثنوی العربی من خلال جلال الدین الرومی و بدیع الزمان النورسی» در مجله «آفاق الحضارة الاسلامیه» در سال ششم، شماره یازدهم، در سال ۱۴۲۸ ه. ق در صفحه ۴۹-۷۴ چاپ نموده است. احمد موسی، این مقاله را در سال ۱۳۸۱ ه. ش نیز به زبان فارسی ترجمه کرده که در مجله‌ی «نامه پارسی» چاپ شده است. نویسنده در این مقاله، به تأثیر مثنوی معنوی در مثنوی عربی نورسی می‌پردازد و بیان می‌کند که مثنوی عربی، نسخه جدید مثنوی معنوی است و از نورسی نقل می‌کند که اگر من در زمان مولانا بودم مثنوی معنوی را می‌نوشتیم و مولانا هم اگر در زمان من بود رسائل نور را می‌نوشت در این مقاله به ویژگی‌های مشترک دو کتاب و تأثیری که نورسی از مولانا در قسمت‌های مختلف مثنوی عربی گرفته، می‌پردازد.



۲-۳-۱۹. سید محمد دشتی

دشتی در مقاله «مقایسه وحدت وجود در فصوص ابن عربی و مثنوی مولوی» که در سال ۱۳۸۲ در مجله علوم انسانی، معارف، شماره ۵۸، صص ۱۵۸-۱۷۱ چاپ شده، وی در این مقاله، بدون ارائه دلایل تاریخی، در صدد رد نظریه تأثیری پذیری مولوی از ابن عربی است. وی بیان می‌کند که مسأله‌ی «وحدت وجود» در ابن عربی با اَسْمَاء و صفات آن چنان درآمیخته که آن‌ها را نمی‌توان از هم تفکیک کرد هر چیزی مولانا به اَسْمَاء و صفات نپرداخته می‌توان نتیجه گرفت، مولوی در آن جا که از وحدت شخصی وجود، سخن می‌گوید، راوی تجربه‌های خویش است و تابع ابن عربی نیست. وی مقاله‌ی دیگری با عنوان «مولوی و نظریه اَسْمَاء و صفات ابن عربی» در سال ۱۳۸۲ در مجله علوم انسانی، معارف، شماره ۵۹، صص ۴۰-۶۷ چاپ کرده است. بعد از ذکر مباحثی، درباره‌ی اَسْمَاء و صفات الهی از منظر ابن عربی و مولانا به این نتیجه می‌رسد که مولانا در زمینه اَسْمَاء و صفات الهی از ابن عربی، تأثیر نپذیرفته است. وی در مقاله دیگری، با عنوان «مقایسه نظرات ابن عربی و مولوی در باب جبر و اختیار» که در سال ۱۳۸۴ در مجله اطلاع رسانی و کتابداری، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۹۵، صص ۸۰-۸۵ چاپ کرده، بیان می‌کند که ابن عربی در بسیاری از نظریه‌های خود جبرگرا است در حالی که مولوی مخالف این نظریه است. وی همانند مقاله «مولوی و نظریه اَسْمَاء و صفات ابن عربی» به این نتیجه می‌رسد که مولوی در این زمینه، از ابن عربی نپذیرفته است.

۲-۳-۲۰. یوسف بکار

«جلال الدین الرومی فی آثار الدراسین العرب» از یوسف بکار، در شماره‌های پیاپی ۴۱-۴۲ در سال ۱۳۸۲ ه. ش / ۲۰۰۳ م در مجله «الدراسة الأدبیة» چاپ شده



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

است که نویسنده، فهرستی گزارشی از ترجمه‌های آثار مولانا و آثار چاپ شده درباره وی به زبان عربی تا سال ۲۰۰۰م عرضه کرده است. (به نقل از رسولی، ۱۳۹۱: ۲)

#### ۲-۳-۲۱. وحید بهمدی

«جلال‌الدین الرومی فی غزله العربی» از وحید بهمدی، در شماره‌های پیاپی ۴۱-۴۲ در سال ۲۰۰۳م در مجله «الدراسة الأدبیة» چاپ شده است که نویسنده به اختصار، به معرفی برخی از کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده در محافل عربی در معرفی جلال‌الدین رومی، اشاره کرده است. (همان)

#### ۲-۳-۲۲. محمد السباعی

«جلال‌الدین رومی بین ابن عربی و محمد اقبال و ترجماته و دراسة فی اللغة العربی» از محمد السباعی در شماره‌های پیاپی ۴۱-۴۲ در سال ۲۰۰۳ در مجله «الدراسة الأدبیة» چاپ شده که نویسنده آن را به معرفی تطبیقی زمینه‌های متمایز و مشترک فکری مولوی و اقبال اختصاص داده است. (همان)

#### ۲-۳-۲۳. احمد حسین

مقاله «کتاب جلال‌الدین المولوی و التصوف»، از احمد حسین در نشریه علوم انسانی «التراث العربی» شماره ۹۱، در سال ۱۴۲۴ ه. ق صص ۱۸۸-۲۰۷ چاپ شده است. احمد حسین، در این مقاله به معرفی کتاب «جلال‌الدین الرومی و التصوف» نوشته مستشرق فرانسوی معاصر، «ایقادی فیتراى میروفیتش» که در سال ۲۰۰۰م توسط عیسی علی العاکوب از انگلیسی به عربی ترجمه شده، پرداخته است. احمد حسین، در این مقاله اشاره می‌کند که این کتاب در ۲۳۲ صفحه در قطع متوسط ترجمه شده و عیسی علی العاکوب مقدمه‌ای بر آن نوشته است. وی، مباحث اساسی کتاب را به چهار فصل تقسیم نموده است که فصل



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

اول آن به نام «الشیخ و حیاته و طریقته و آثاره» و فصل دوم، «الطریق الروحی أو التصوف عند جلال الدین الرومی» فصل سوم «التعلیم الصوفی» فصل چهارم «حضور التصوف»، علاوه بر آن، این کتاب، شامل مراجع و بعضی تصویر و رسم‌ها می‌باشد. نویسنده این مقاله، به معرفی و تحلیلی ایجاز گونه از مباحث این کتاب پرداخته است.

### ۲-۳-۲۴. ندی علی حسون

این استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دمشق، مقاله‌ای با عنوان «أثر اللغة العربیة و أدبها فی مثنوی جلال الدین مولوی» در نشریه علوم سیاسی فصلنامه «فصلیه ایران و العرب» وابسته به مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، در شماره ۶ و ۷ در سال ۲۰۰۳م و ۲۰۰۴م در صفحه ۱۶۹-۱۸۸ چاپ نموده است. نویسنده، در مقاله بیان می‌کند که از نشانه‌های ابیات عربی در مثنوی، ترکیب‌های عربی به کار رفته در مثنوی مانند جهد المقر، سم الممات و ... ترکیباتی را که از قرآن و حدیث گرفته شده مانند کشق الأنفس، و سدره المنتهی و ... (علی حسون، ۱۸۳) مولانا ابیاتی از شاعران عرب، مانند عدی بن الرقاع شاعر اموی که ابیاتی از او را در دیباچه دفتر چهارم مثنوی تضمین کرده است. (همو، ۱۷۹) و هم چنین ابیاتی از دیگر شاعران عرب مانند لبید، ابی نواس، مجنون قیس عامر، متنبی، امرؤ القیس (همو، ۱۷۹-۱۸۰) و بعضی اشتقاقات و معانی که از کتاب‌های لغت و نحو متأثر است. مانند معنی الله در این سخن:

معنی الله گفت آن سبیبویه یولهون فی الحوائج هم الیه

(همو، ۱۸۴)

نویسنده در این مقاله، از پنج منبع استفاده کرده است. «ذخایر اقوال فی مولانا جلال» جدیدترین اثری است از علی حسون که آن را به زبان عربی نوشته و در



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

دمشق منتشر کرده است و مقاله‌ی دیگری از علی حسون با عنوان «الإنسان المثالی فی مثنوی مولانا» در سال ۱۳۸۲ در مجله «الدراسات الأدبیة» به چاپ رسیده است. (به نقل از رسولی، ۱۳۹۱: ۵)

### ۲-۳-۲۵. حسین رزمجو

مقاله «التصوّف و العرفان من منظار جلال الدین الرومی المولوی» از حسین رزمجو، در نشریه علوم سیاسی فصلنامه «فصلیه ایران و عرب» وابسته به مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۹ در سال ۲۰۰۴م صفحه ۹۵-۱۱۴ چاپ شده است. در این مقاله، این مباحث (التصوّف و الصوفی، التصوّف المتسم بالزهد و العبادة و التصوّف المتسم بالعشق، التصوّف الإیجابی و التصوّف السلبی، ما العرفان و من هو العارف الحقیقی، التصوّف و العرفان من منظار المولوی، تجلّی آرائه العرفانیة فی معرفة الإنسان الكامل، رموز الإنسان الكامل و عناوینها فی آثار مولوی) به صورت جزئی مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۲-۳-۲۶. جلیل مشیدی

مقاله «صلة الدعاء و البداء فی اعمال جلال الدین محمد المولوی» از جلیل مشیدی، در مجله «العلوم الانسانیة»، شماره ۱۲ در سال ۱۴۲۶ ه. ق/ ۲۰۰۵ م صفحه ۸۱-۹۱ چاپ شده است. در این مقاله، نویسنده بیان می‌کند که بینش مهم و باارزشی که «دعا» را با «بداء» پیوند می‌دهد اطمینان به باز بودن نظام جهان است و در مقاله، ضمن بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و روایات شریف، به شرح و تحلیل آراء مولوی پرداخته است و از مجموع بحث و پیوند آن با اندیشه‌های مولوی، اعتقاد او به مفهوم عام به بداء و ارتباط تنگاتنگ دعا با آن تبیین گردیده است.



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

## ۲-۳-۲۷. سعید بزرگ بیگدلی و حسین علی قبادی

بیگدلی و قبادی مقاله‌ی را با عنوان «الوعی العرفانی الخاص فی الأدب الفارسی مع التأكيد علی مثنوی مولوی» در مجله «العلوم الإنسانیة» در سال ۱۴۲۶ ه. ق/ ۲۰۰۵م در شماره ۱۲، صفحه ۲۵-۴۲ چاپ کرده‌اند. نویسندگان، در این مقاله بر این عقیده‌اند که واژه «حیرت» در دیوان مثنوی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در دریای فکر مولانا است و مولوی کلمه حیرت، حیران و حیرانی را در مثنوی ۱۳۸ بار به کار برده است. حیرت، در مثنوی به سه مفهوم به کار رفته است. ۱- حیرت ممدوح (معادل آگاهی ویژه یا آگاهی عرفانی) ۲- حیرت مذموم (معادل بریدن از ذات، مسخ، اضطراب و زیان ناشی از بریدن از دنیا) ۳- حیرت به مفهوم عام (این مفهوم در مثنوی شایع است). و در قسمت پردازش موضوع این مباحث به طور جزئی بحث شده است نویسندگان از ۱۷ منبع استفاده کرده‌اند.



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

## ۲-۳-۲۸. حسین علی محفوظ

مقاله «مولوی اکبر صوفیه اسلام» در نشریه «الأقلام» شماره نهم در سال ۱۳۸۵ از محفوظ چاپ شده و نویسنده در آن به معرفی مولانا، تحصیل، تحول روحی و آثارش در ۵ صفحه پرداخته است. در این مقاله، دیدگاه‌های نقدی ممتازی یافت نمی‌شود.

## ۲-۳-۲۹. سید محمدرضا ابن‌الرسول

مقاله‌ی وی، با عنوان «مولوی و متنبی» در سال ۱۳۸۶، مجله‌ی فرهنگ، شماره ۶۳-۶۴، صص ۱-۶۰ چاپ شده است. وی در این مقاله، ۲۷ مورد از مضامین مشترک مولوی و متنبی را آورده و با ذکر این نکته که غیر از ضرب‌المثل‌ها و آیات و احادیث، دیگر مضامین، به نوعی اقتباس مولانا از متنبی بوده است.

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

## ۲-۳-۳۰. مهدی محبتی

این مقاله با عنوان «تحلیل روش شناختی دیدگاه‌ها و آراء ویلیام چتیک درباره‌ی تأثیرپذیری مولوی از ابن عربی» در سال ۱۳۸۷، در مجله «زبان و ادبیات»، نامه فرهنگستان، شماره ۳۹، صص ۱۰۱-۱۱۳ چاپ شده است. وی در این مقاله، بیان می‌کند که «ویلیام چتیک» درباره‌ی تأثیرپذیری مولوی از ابن عربی صریحاً اظهار نظر نکرده، بلکه با موشکافی و مقدمه‌چینی و آوردن دلایل و مباحث عرفانی، توضیح می‌دهد که مشابهت‌های ظاهری، دلیلی بر تأثیرپذیری نیست و باید به شواهد محکم‌تری نظر جست درحالی که دیگر محققان بدون شواهد محکم، این کار را انجام داده‌اند.

## ۲-۳-۳۱. مهدی ممتحن

«المضامین المشتركة فی التفكير و الحواس بین المولوی و الشعراء العرب (وجوه مشترک اندیشه و حواس از دیدگاه مولانا و شاعران عربی سرای)»  
«الجمعية الايرانية للغة العربية و آدابها (مجله انجمن زبان و ادبیات عربی)»، ۱۳۸۸، شماره ۱۱، صص ۱۵۵-۱۷۰، چاپ شده است. نویسنده، در مقاله بیان می‌کند که مثنوی شامل مطالب متنوعی است: خداشناسی، هستی و نیستی، عقل و فهم و تدبیر، حسن‌شناسی ظاهری و باطنی، درباره حواس ظاهری و باطنی نظر بر این است: که برای رسیدن به حسن باطنی، باید از حسن ظاهری گذر کرد. گروهی از شاعران عربی سرا در مورد حسن‌شناسی با مولانا هم عقیده‌اند: مثلاً با از دست دادن حسی، حسن دیگر جایگزین می‌شود.

## ۲-۳-۳۲. محمد حسن بیات

مقاله‌ی با عنوان «چهره‌ی پیامبر اعظم (ص) در مثنوی و مقایسه آن با دیدگاه ابن عربی» در مجله زبان و ادبیات، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، در سال ۱۳۸۸،



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

شماره ۱۳، صص ۴۳-۶۶ چاپ شده است. نویسنده مقاله را به سه بخش ۱- شخصیت پیامبر اکرم(ص) در مثنوی ۲- چهره‌ی سایر انبیاء و اولیای محمدی در مثنوی، ۳- شخصیت معنوی پیامبر و اولیا از نظر ابن عربی در «فصوص الحکم» تنظیم کرده و در آن به مقایسه نگاه خاص مولوی درباره‌ی پیامبر(ص)، با ابن عربی پرداخته است.

#### ۲-۳-۳۳. تورج زینی‌وند

مقاله «مقارنه بین ابن الفارض المصری و جلال الدین محمد المولوی البلخی فی ضوء خمرياتهما الروحیه» در مجله «اللغة العربیة و آدابها» در سال پنجم، شماره نهم در سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰م در صفحه ۳۳-۵۵ چاپ شده است. نویسنده در این مقاله، از ۵۳ منبع استفاده کرده و در متن آن به تحلیل تطبیقی مضمون‌ها و اسلوب مشترک و متمایز شعر مولوی و ابن فارض در پرتو باده سرایی روحی و عرفانی پرداخته است. از جنبه‌های مشترک و مورد تأکید نویسنده در این مقاله، مسأله‌ی «وحدت وجود» است.

#### ۲-۳-۳۴. قدرت‌الله خیاطیان

این مقاله با عنوان «بررسی تطبیقی انسان کامل از نظر ابن عربی و مولانا» که در سال ۱۳۸۹، در مجله «فلسفه، کلام و عرفان»، خردنامه صدرا، شماره ۶۱، صص ۴۰-۶۴ چاپ شده است. نویسنده، سعی دارد تا با روشی تطبیقی نظرات مشترک و متفاوت آن دو عارف را درباره‌ی انسان کامل در آثار مهم آن‌ها؛ مانند فصوص الحکم و فتوحات مکیه ابن عربی و مثنوی مولانا بررسی کند.

#### ۲-۳-۳۵. میر جلیل اکرمی و ذوالفقار همتی

مقاله‌ی با عنوان «وحدت وجود و وحدت ادیان از نظر ابن عربی و مولانا» در مجله «زبان و ادبیات»، مولوی پژوهی، شماره ۹، در سال ۱۳۸۹، صص ۸۱-۱۰۶



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...



چاپ شده است. نویسندگان به تأثیرپذیری مولوی از ابن عربی و بیان تفاوت‌ها و تمایزهای آن دو در این موضوع پرداخته‌اند.

#### ۲-۳-۳۶. علی اصغر قهرمانی مقبل

مقاله وی، با عنوان «مولانا جلال‌الدین و تأثیرپذیری او از دیوان متنبی» مجله‌ی نامه فرهنگستان، ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۹، صص ۳۹-۵۸ چاپ شده است. نویسنده در این مقاله بیان می‌کند که مولانا از ادب عربی، به ویژه اشعار متنبی به صورت تضمین و ترجمه بعضی ابیات و اقتباس تعدادی از مصرع‌ها در آثار منظوم و مثنوی خود تأثیر پذیرفته است.

#### ۲-۳-۳۷. مهدی شریفیان و احمد وفایی بصیر

این مقاله با عنوان «مشترکات ابن عربی و مولوی در حوزه اندیشه عرفانی» در نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۰، صص ۹۶-۱۲۳ چاپ شده است. در این مقاله، نویسندگان به بیان مشترکات ابن عربی و مولانا در حوزه عرفانی و کلامی مانند (تجلی، انسان کامل، زن، کرامت، بدن مثالی، زنده بودن موجودات، جایگاه پیغمبران، ابلیس، عدم و عرض، عقل جزوی و وهم، آدم، اعیان ثابت و وحدت وجود) در ۲۹ صفحه پرداخته‌اند.

#### ۲-۳-۳۸. وحید سبزیان پور

«نقدی بر مقاله مولوی و متنبی» نوشته «ابن‌الرسول»؛ را سبزیان پور به همراه صدیقه رضایی و سمیره خسروی نوشته‌اند و در آن براین معتقدند که ۱۵ مورد از ۲۷ مورد مضمونی که در مقاله ابن‌الرسول، با عنوان اقتباس مولانا از متنبی آورده است نقد کرده‌اند در گفته‌های ارسطو و دیگر شاعران عرب و سه مورد از آن در



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

منابع ایران پیش از اسلام آمده است. نویسندگان در بخش پایانی مقاله به نقد درون متنی مقاله «مولوی و متنبی» پرداخته‌اند.

## ۲-۴. پایان نامه

درباره‌ی پایان‌نامه‌ها صورت گرفته در حوزه‌ی مولوی و فرهنگ عرب باید گفت که، بیشتر این پایان‌نامه‌ها با رویکرد تطبیقی صورت گرفته‌اند. هرچند که نگاهی گذرا به برخی از این پایان‌نامه‌ها، بیان کند، آن است که بیشتر آن‌ها، در مسأله‌ی «مبنای نظری» و «روش تحقیق» دارای اشکال هستند، در این جا برای کاستن از حجم مقاله تنها به نام و سال نویسندگان اشاره می‌شود و مخاطبان را به بخش پی‌نوشت ارجاع می‌دهیم (بابامیری، ۱۳۸۸ / حاج سلیمان، ۱۳۸۸ / خسروی، ۱۳۹۰ / اردان، ۱۳۹۰ / رضایی، ۱۳۹۰ / روح‌رضی، ۱۳۸۲ / طباطبایی، ۱۳۸۱ / عبداللهی، ۱۳۹۰ / عظیمی‌نژاد، ۱۳۹۰ / فال‌اسیری، ۱۳۸۷ / فهیمی‌کرک‌تپه، ۱۳۸۰ / کاملان، / مومنی، ۱۳۹۰) (۱)

## نتیجه

- ۱- بیشترین توجه مولوی پژوهان عرصه‌ی فرهنگ و ادب عربی، به «مثنوی معنوی» است. این رویکرد، بیشتر براساس آثار «ترجمه» شده و با «محورهای تطبیقی» صورت گرفته است.
- ۲- محققان عرب زبان، بیشتر از طریق کتاب «نهج القوی» «یوسف بن احمد مولوی» که اولین ترجمه مثنوی به زبان عربی است، با آثار و اندیشه‌های مولوی آشنا شده‌اند.
- ۳- محققان عرب زبان آثار و افکار مولوی، بیشتر در «دوره‌ی معاصر» کرده‌اند. و بیشترین پژوهش‌های صورت گرفته از سوی محققان جهان عرب، در مرتبه نخست به صورت «ترجمه» و «مقاله» است.
- ۴- در بخش مقالات، بیشترین تحقیقات صورت گرفته از سوی محققان عرب زبان، در زمینه «شخصیت مولوی و مثنوی» است، اما در تحقیقات انجام گرفته از



سوی محققان فارسی زبان - در چارچوب مقاله و پایان نامه - علاوه بر بررسی مثنوی و شخصیت مولانا؛ تطبیق افکار، عرفان، صور خیال و مقایسه مولانا با دیگر شخصیت‌های بزرگ فرهنگ و ادب عربی مانند ابن عربی و ابن فارض و ... مد نظر بوده است.

### پی‌نوشت

(۱) بابامیری، حسین، (۱۳۸۸)، «مقایسه عرفان ابن عربی و مولانا (با تأکید بر آفرینش و وحدت ادیان)» (ارشد)، راهنما، محمد امیر عبیدی‌نیا، مشاور، بهمن نزهت، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مهاباد. / حاج سلیمان، حسن، (۱۳۸۸)، «تأثیر جلال‌الدین مولوی بر آثار میخائیل نعیمه»، (ارشد)، راهنما، غلامرضا مستعلی پارسا، مشاور، علی گنجیان خناری، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی - دانشگاه علامه طباطبایی. / خسروی، سمیره، (۱۳۹۰)، «تحلیل و بررسی مضامین ادب عربی در سه دفتر اول مثنوی معنوی»، (ارشد)، راهنما وحید سبزیان پور، مشاور، علی سلیمی، دانشگاه رازی، رشته زبان و ادبیات عرب. ۱۱۲ص / داردان، زهره، (۱۳۹۰)، «بررسی جایگاه استدلال در عرفان ابن عربی و مولوی»، (ارشد)، راهنما: مجید صادقی، مشاور، سید مهدی امامی جمعه، موضوع: علوم انسانی، علوم انسانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان. / رضایی، صدیقه، (۱۳۹۰)، «تحلیل و بررسی مضامین ادب عربی در سه دفتر آخر مثنوی معنوی»، (ارشد)، راهنما وحید سبزیان پور، مشاور، علی سلیمی، دانشگاه رازی، رشته زبان و ادبیات عرب. ۱۱۲ص / روح‌رضی، فرهاد، (۱۳۸۲)، «جبران و مولوی (بررسی آراء و نظریات جبران خلیل جبران در کتاب «النبی» و مضامین مشترک با «مثنوی معنوی» مولوی)»، (ارشد)، راهنما، امیرمحمود انوار، مشاور، محمود شکیب انصاری، گروه زبان و ادبیات عرب. / طباطبایی، حسن، (۱۳۸۱) «ترجمه اشعار و عبارات عربی دیوان شمس»، (ارشد)، راهنما، علی محمد مؤذنی، دانشگاه تهران. / عبداللهی، حیدر، (۱۳۹۰)، «مقایسه تطبیقی عشق در دیدگاه ابن‌فارض (قصیده تائیه)، مولانا و مولوی کُرد»، (ارشد)، راهنما، بهجت السادات حجازی، مشاور: شهباز محسنی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان، موضوع علوم انسانی، عرفان. / عظیمی‌نژاد، غلامرضا، (۱۳۹۰)، «پژوهشی تطبیقی و موضوعی در ترجمان الاشواق (دیوان ابن‌عربی) و



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

غزلیات جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)»، (ارشد)، زبان پایان‌نامه: فارسی - عربی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرمان. / فال‌اسیری، مریم، (۱۳۸۷)، «بررسی شرح و تحلیل مصاربع و ابیات عربی دیوان شمس تبریزی اثر مولوی»، (ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده زبان و ادبیات. / فال‌اسیری، مریم، (۱۳۸۷)، «بررسی شرح و تحلیل مصاربع و ابیات عربی دیوان شمس تبریزی اثر مولوی»، (ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده زبان و ادبیات. / فهیمی کرک‌تپه، سولماز، (۱۳۸۰)، «بررسی حقیقت محمدیه در مثنوی مولوی و قصیده تائیه ابن‌فارض»، (ارشد)، راهنما، عزیزالله جوینی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی، رشته زبان و ادبیات فارسی، ۱۸۴ص. / کاملان، محمد صادق، (بی‌تا)، «خدا در آینه جلال و جمال (تشبیه و تنزیه از دیدگاه محیی‌الدین و مولوی)»، (ارشد)، پایان‌نامه، موضوع: علوم انسانی، الهیات و معارف اسلامی. / مومنی، علی، (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی عشق و جمال در اشعار ابن‌فارض و مولوی» (ارشد)، موضوع، شعر عربی تاریخ و نقد، زبان پایان‌نامه: فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرمانشاه، ۱۹۴ص.



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

\*\*\*\*\*

## فهرست منابع

### الف) کتاب‌ها

- ❖ قرآن کریم.
- ❖ ابلاغ افغانی، عنایت‌الله؛ (جلال‌الدین الرومی بین الصوفیه و علماء کلام، لبنانیه، دار المصریه. ۱۹۸۷).
- ❖ دین لوئیس، فرانکلین؛ دیروز تا امروز، شرق تا غرب، ترجمه: حسن لاهوتی، تهران، نامک. (۱۳۸۶).
- ❖ رفعت‌جو، فرح‌ناز؛ العرفان الصوفی عند جلال‌الدین الرومی، بیروت، دارالهادی. (۲۰۰۸).
- ❖ سبزیان پور، وحید؛ مجموعه مقالات نقد ادبی با رویکرد (عربی - فارسی)، چاپ اول، تهران، یار دانش. (۱۳۹۱).

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

- ❖ ۶- شمیل، آنا ماری؛ الشمس المتصّرة، ترجمه: عیسی علی العاکوب، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۷۹).
- ❖ فروزانفر، بدیع الزمان؛ شرح مثنوی شریف، ج. ۱، تهران، گلشن. (۱۳۶۱).
- ❖ قچه، محمد؛ اباحت الندوة العلمية الدولية جلال‌الدین الرومی، رائد الفكر الانسانی و التصوّف، السوریة للکتاب: منشورات الهيئة العامة. (۲۰۰۹).
- ❖ القونوی، أبو الفضل محمد بن عبدالله؛ أخبار جلال‌الدین الرومی و وقفات مع ترجمته فی کتاب رجال الفكر و الدّعوة فی الإسلام، المدينة المنورة المملكة العربية السعودية، دار النشر المؤلف. (۲۰۰۰).
- ❖ کفافی، محمد عبدالسلام؛ مثنوی جلال‌الدین الرومی، بیروت، صیدا. (۱۹۶۷).
- ❖ -----؛ ادبیات تطبیقی، ترجمه: سید حسین سیّدی، مشهد، شرکت به نشر. (۱۳۸۲).
- ❖ محمدی اشتهاردی، محمد؛ قصص المثنوی، بیروت، دار المحجّة البيضاء و دارالرسول اکرم. (۱۹۹۸).
- ❖ مولوی، جلال‌الدین محمد؛ مثنوی معنوی (چهار جلدی)، (تصحیح رینولد. آ. نیکلسون، به اهتمام نصر الله پورجوادی)، چاپ دوم، تهران، امیر کبیر. (۱۳۷۳).

#### ب) مقاله‌ها

- ❖ ابراهیمی دینانی، غلامحسین؛ عالم خیال در نظر مولوی و ابن عربی، فلسفه و کلام و عرفان، خردنامه صدرا، شماره ۱۴، صص ۱۱-۱۶. (۱۳۷۷).
- ❖ ابن‌الرسول، سید محمدرضا؛ مولوی و مثنوی، مجله فرهنگ، شماره ۶۴-۶۳، صص ۱-۶۰. (۱۳۸۶).
- ❖ اکرمی، میر جلیل و همتی، ذولفقار؛ وحدت وجود و ادیان از ابن عربی و مولانا، فصلنامه مولوی پژوهی، شماره ۹، صص ۸۱-۱۰۶. (۱۳۸۹).
- ❖ امین، سید حسن؛ ملاقات مولانا با ابن عربی، فلسفه، کلام و عرفان، کیهان اندیشه، شماره ۶۹، صص ۱۴۵-۱۴۹. (۱۳۷۵).
- ❖ -----؛ پیوند مولانای رومی با ابن عربی، علوم انسانی، ایران شناسی، شماره ۳، صص ۴۶۵-۴۷۹. (۱۳۷۶).



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

- ❖ -----؛ تأملی در پیوند فکری مولوی و ابن عربی، فصلنامه زبان و ادب، شماره ۱۳، (۱۳۷۹)، صص ۶۰ - ۷۵. (۱۳۷۶).
- ❖ بزرگ‌بیگدلی، سعید و قبادی، حسین علی؛ (۲۰۰۵)، الوعي العرفانی الخاص فی الادب الفارسی مع التأكيد علی مثنوی مولوی، مجله العلوم الإنسانية الدولية، شماره ۱۲، صص ۲۵-۴۲.
- ❖ بیات، محمد حسین، چهره‌ی پیامبر اعظم (ص) در مثنوی و مقایسه آن با دیدگاه ابن عربی، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳، صص ۴۳-۶۶. (۱۳۸۸).
- ❖ پورجوادی، نصرالله؛ مسأله تشبیه و تنزیه در مکتب ابن عربی و مولوی و مقایسه شیوه بیان آنان، مجله معارف، شماره ۲، (۱۳۶۳)، صص ۳ تا ۲۴. (۱۳۶۳).
- ❖ تامر، عارف؛ حول جلال‌الدین الرومی، مجله الدراسة الأدبية، العدد ۲، صص ۱۹۹-۲۰۶. (۱۳۳۹).
- ❖ التركستانی، عبد العزیز جنکیزخانمولانا جلال‌الدین الرومی فی میزان التاریخ و العقیده، مجله الثقافة، شماره ۱۶۰، صص ۲۵-۲۷. (۱۳۶۱).
- ❖ جیدل، عمار؛ أثر الأدب الفارسی فی العربی دراسة فی المثنوی العربی من خلال جلال‌الدین الرومی و بدیع الزمان نورسی، آفاق الحضارة الاسلامیة، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۴۹ تا ۷۴. (۱۳۸۱).
- ❖ چیتیک، ویلیام؛ مولانا و اندیشه وحدت وجود ابن عربی، ترجمه: ابوالفضل محمودی، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۵ و ۶، (۱۳۷۹)، صص ۱۷۸-۲۰۷. (۱۳۷۹).
- ❖ -----؛ مولانا و اندیشه وحدت وجود ابن عربی بخش دوم، ترجمه: ابوالفضل محمودی، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی، کلامی، شماره ۷ و ۸، صص ۱۰۷-۱۲۰. (۱۳۸۰).
- ❖ الحسین، احمد؛ کتاب جلال‌الدین المولوی و التصوف، مجله التراث العربی، شماره ۹۱، صص ۱۸۸-۲۰۷. (۱۴۲۴).
- ❖ خسروی، زهرا؛ مرواریدهای فارسی در زبان عربی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۱، صص ۲۰-۲۷. (۱۳۸۲).
- ❖ خیاطیان، قدرت‌الله؛ بررسی تطبیقی انسان کامل از نظر ابن عربی و مولانا، خردنامه صدرا، شماره ۶۱، صص ۴۰-۶۴. (۱۳۸۹).



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

- ❖ دشتی، سید محمد؛ مقایسه وحدت وجود در فصوص ابن عربی و مثنوی مولوی، مجله معارف، شماره ۵۸، صص ۱۵۸-۱۷۱. (۱۳۸۲).
- ❖ -----؛ مولوی و نظریه أسماء و صفات ابن عربی، مجله معارف، شماره ۵۹، صص ۶۷-۷۰. (۱۳۸۲).
- ❖ -----؛ مقایسه نظرات ابن عربی و مولوی در باب جبر و اختیار، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۹۵، صص ۸۰-۸۵. (۱۳۸۴).
- ❖ دشتی، علی؛، رحلة فی دیوان شمس، مجله‌الدراسة الأدبیة، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۲۳۱-۲۴۶. (۱۳۴۲).
- ❖ رزمجو، حسین؛ التصوف و العرفان من منظار جلال‌الدین الرومی المولوی، فصلنامه فصلیة ایران و عرب، وابسته به مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۹، صص ۹۵-۱۱۴. (۲۰۰۴).
- ❖ رسولی، حجت مولوی پژوهی در ادب معاصر عربی، [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)؛ (۱۳۹۱).
- ❖ زعیتر، اکرم؛ حول مقال رحلة فی دیوان شمس، مجله‌الدراسة الأدبیة، شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۳۲۲-۳۲۶. (۱۳۴۴).
- ❖ زینی‌وند، تورج؛ مقارنه بین ابن الفارض المصری و جلال‌الدین محمد المولوی البلخی فی ضوء خمرياتهما الروحية، مجله‌اللغة العربیة و آدابها، پردیس قم، دانشگاه تهران، دوره پنجم، شماره نهم، صص ۳۳-۵۵. (۲۰۱۰).
- ❖ شریفیان، مهدی و وفايي بصیر، احمد؛ مشترکات ابن عربی و مولوی در حوزه اندیشه عرفانی، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه باهنر کرمان، دوره جدید، سال دوم، شماره ۴، صص ۹۶-۱۲۳. (۱۳۹۰).
- ❖ صلاحی‌مقدم، سهیلا؛ نغمه‌های الهی مولانا جلال‌الدین محمد و جبران خلیل جبران، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۰۵-۱۲۳. (۱۳۸۷).
- ❖ عبدالعزیزعید، نبیل؛ فن الغزل و ما حرف من تغییر و تطور من خلال شاعر الصوفیة الأكبر جلال‌الدین، مجله‌آداب المستنصریة، شماره ۱۴، صص ۱۴۷-۱۶۰. (۱۴۰۶).
- ❖ -----؛ الله و الانسان و العقل و القلب فی الديوان شمس تبریزی لشاعر صوفیه الجلال‌الدین الاکبر، آداب المستنصریة، شماره ۱۵، صص ۳۰۳-۳۱۶. (۱۴۰۷).



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورت‌های ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...

- ❖ -----؛ اثر القرآن الکریم فی شعر جلال‌الدین الرومی من خلال الكتاب الاول من  
المثنوی، آداب المستنصریة، شماره ۱۴، صص ۱۸۱-۲۰۴. (۱۴۱۰).
- ❖ عبدالموجود، عبدالحافظ؛ الدراسة التحلیلیة؛ جلال‌الدین رومی، مجله الرسالة، شماره  
۷۵۹، صص ۱۰۹۵-۱۰۹۷. (۱۳۶۷).
- ❖ عزّام، عبد الوهاب؛ مولانا جلال‌الدین الرومی، الثقافة، شماره ۱۶۷، صص ۵-۷. (۱۳۶۱).
- ❖ -----؛ مولانا جلال‌الدین الرومی، الثقافة، شماره ۱۶۹، صص ۲۱-۲۲. (۱۳۶۱).
- ❖ -----؛ مولانا جلال‌الدین الرومی، الثقافة، شماره ۱۶۸، صص ۵-۸. (۱۳۶۱).
- ❖ علی، سعید؛ مثنوی جلال‌الدین الرومی شاعر الصوفیه الاکبر، الدراسات الأدبیة، شماره  
۲۹ و ۳۰، صص ۱۶۱-۱۶۳. (۱۳۴۵).
- ❖ -----؛ الشاعر الفارسی الکیبر جلال‌الدین المولوی المعروف بالرومی اکبر  
شعراء التصوّف و العرفان، الدراسات الأدبیة، شماره ۴، صص ۵۱-۶۸. (۱۳۳۸).
- ❖ قهرمانی‌مقبل، علی اصغر؛ مولانا جلال‌الدین و تأثیرپذیری او از دیوان متنبی، نامه  
فرهنگستان، ویژه نامه ادبیات تطبیقی، دوره اول، شماره اول، صص ۳۹-۵۸. (۱۳۸۹).
- ❖ کوچاک، اینچی؛ بررسی نی در آثار مولانا و جبران خلیل جبران، ترجمه: اصغر دلبری  
پور، نامه فرهنگ، شماره ۱۰-۱۱، صص ۱۱۵-۱۱۷. (۱۳۷۲).
- ❖ محبتی، مهدی؛ تحلیل روش شناختی دیدگاه‌ها و آراء ویلیام چتیک درباره‌ی  
تأثیرپذیری مولوی از ابن‌عربی، زبان و ادبیات، نامه فرهنگستان، شماره ۳۹، صص  
۱۰۱-۱۱۳. (۱۳۸۷).
- ❖ محفوظ، حسین علی؛ مولوی اکبر صوفیه اسلام، الأقلام، شماره نهم، صص ۷۴-۷۸. (۱۳۸۵).
- ❖ مشیدی، جلیل؛ صلة الدعاء و البداء فی أعمال جلال‌الدین محمد مولوی، مجله العلوم  
الأنسانیة الدولية، شماره ۱۲، صص ۸۱-۹۲. (۱۳۸۴).
- ❖ ممتحن، مهدی؛ المضامین المشتركة فی التفكير و الحواس بین المولوی و الشعراء  
العرب (وجوه مشترک اندیشه و حواس از دیدگاه مولانا و شاعران عربی سرای) مجله  
الجمعیة الایرانیة للغة العربیة و آدابها، شماره ۱۱، صص ۱۵۵-۱۷۰. (۱۳۸۸).



❖ ندی، علی حسون؛ أثر اللغة العربية و أدبها فی مثنوی جلال‌الدین مولوی، فصلنامه فصلیه ایران و العرب، وابسته به مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۶ و ۷، صص ۱۶۹-۱۸۸. (۲۰۰۴).

❖ الهاشمی، محمد یحیی؛ جلال‌الدین الرومی من خلال کتاب «خلاصه مثنوی» للأستاذ بدیع الزمان فروزانفر، مجلة الدراسة الأدبية، شماره ۳، صص ۳۵۹-۳۶۶. (۱۳۳۹).



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

بررسی صورتهای ارجاعی  
(ضمایر) در پاره‌ای از  
نامه‌های مولانا ...





فصلنامه تخصصی مولوی

بررسی صورت‌های ار  
(ضمایر) در پار  
نامه‌های مولانا ...